

اقتدار و ماهیت عطیه نبوت

اعمال رسولان ۲: ۱۴-۲۱

پس پطرس با آن یازده برخاسته آواز خود را بلند کرده بدیشان گفت: «ای مردان یهود و جمیع سکنه اورشلیم، این را بدانید و سخنان مرا فرا گیرید، زیرا که اینها مست نیستند، چنان که شما گمان می‌برید، زیرا که ساعت سوم از روز است، بلکه این همان است که یوئیل نبی گفت که خدا می‌گوید در ایام آخر چنین خواهد بود که از روح خود بر تمام بشر خواهم ریخت و پسران و دختران شما نبوت کنند و جوانان شما رویاها و پیران شما خوابها خواهند دید و بر غلامان و کنیزان خود، در آن ایام از روح خود خواهم ریخت و ایشان نبوت خواهند نمود و از بالا در افلاک عجایب و از پایین در زمین آیات را از خون و آتش و بخار دود به ظهور آورم. خورشید به ظلمت و ماه به خون مبدل گردد، قبل از وقوع روز عظیم مشهور خداوند و چنین خواهد بود که هر که نام خداوند را بخواند نجات یابد.»

رساله اول قرن‌تینان ۱۳: ۸-۱۲ چنین تعلیم می‌دهد که وقتی عیسی بازگردد عطیه نبوت از بین خواهد رفت و تصویری که در آینه کدر می‌بینیم جای خود را به چهره‌ای زنده خواهد داد. از این‌رو، در کلیسای امروز، عطیه نبوت هنوز به قوت خود باقی است. اکنون، به این پرسش بپردازیم که عطیه نبوت چیست و چگونه باید به کار گرفته شود؟

قطعیت و بسنده بودن کتاب مقدس

در همین ابتدا، مطلب خود را با تأیید قطعیت و بسنده بودن کلام خدا، یعنی این شصت و شش کتاب در کتاب مقدس، آغاز می‌نمایم. آنچه اکنون درباره نبوتها بیان می‌کنم بدین معنا نیست که نبوتها به مانند کتاب مقدس بر زندگی ما اقتدار دارند. هر نبوتی که امروزه صورت گیرد به کتاب مقدس نمی‌افزاید، بلکه هر نبوتی با کتاب مقدس سنجیده می‌شود. کتاب مقدس پایان یافته است و الهام دیگری به آن افزوده نمی‌شود. کتاب مقدس شالوده و زیربنا است نه ساختمانی در حال ساخت.

بهترین شیوه برای بررسی این مهم آن است که به تعلیم رسولان بنگریم و ببینیم که چطور آن تعلیمات در کلیسای اولیه از اقتدار نهایی برخوردار بودند و چطور هیچ‌یک از دیگر نبوتها دارای چنین اقتداری نبودند. برای نمونه، پولس در اول قرن‌تینان ۱۴: ۳۷-۳۸ می‌گوید: «اگر کسی خود را نبی یا روحانی پندارد اقرار بکند که آنچه به شما می‌نویسم احکام خداوند است. اما اگر کسی جاهل است جاهل باشد.» نتیجه ساده است: تعلیم رسولان از اقتدار قطعی و نهایی برخوردار است. پس، از آن زمان تا امروز، هیچ ادعای نبوتی در کلیسا از چنین اقتداری برخوردار نمی‌باشد.

در رساله دوم تسالونیکیان ۲: ۱-۳ نیز می‌توانید همین نکته را شاهد باشید. پولس در این آیات بیان می‌دارد که حتی اگر کسی ادعا کند که می‌تواند با الهامی که به وی رسیده است شما را از بازگشت عیسی مسیح آگاه سازد، در صورتی که گفته‌اش با آنچه من تعلیم داده‌ام تفاوت دارد، ادعایش را باور نکنید. «اما ای برادران، از شما استدعا می‌کنیم درباره آمدن خداوند ما عیسی مسیح و جمع شدن ما به نزد او که شما از هوش خود به زودی متزلزل نشوید و مضطرب نگردید، نه از روح و نه از کلام و نه از رساله‌ای که گویا از ما باشد، بدین مضمون که روز مسیح رسیده است. زنهاری کسی به هیچ وجه شما را نفریبد، زیرا که تا آن ارتداد، اول، واقع نشود . . . آن روز نخواهد آمد.» به بیان دیگر، کلام پولس رسول باید سنگ محک هر نبوتی باشد.

پس نکته اینجا است: امروز نیز عهد جدید بر همان موضعی ایستاده است که رسولان ایستاده بودند و امروز نیز اقتدار رسولان به واسطه نوشته‌هایشان و نوشته‌های یاران نزدیکی همچون لوقا و مرقس و یعقوب (برادر خداوند) پابرجا می‌باشد. بنابراین، پولس در آن روزگار به همین ترتیب بر تعلیم رسولان مظهر اقتدار نهایی زد. از این‌رو، ما نیز در این دوران تعلیم رسولان را از اقتدار نهایی برخوردار می‌دانیم. این

بدان معنا است که عهدجدید معیار ما است و از آنجایی که عهدجدید بر عهدعتیق در مقام کلام الهام‌شده خدا مُهر تأیید می‌زند، ما نیز کتاب‌مقدس را قاعده و معیار سنجش کل تعالیم و کل نبوت‌هایی که دربارهٔ ماهیت اعتقاد و شیوهٔ زندگی‌مان صورت می‌گیرد قرار می‌دهیم.

در روز پنطیکاست چه روی داد؟

حال، به اعمال رسولان ۱۶:۲ به بعد مراجعه می‌کنیم تا ببینیم دربارهٔ عطیۀ نبوت در عهدجدید چه چیزی را می‌توانیم فرا گیریم. موقعیت از این قرار است: روز پنطیکاست است، یعنی پنجاه روز پس از رستاخیز عیسی از مردگان. صد و بیست مرد و زن مسیحی در اورشلیم در انتظارند تا «به قوت، از اعلا آراسته» شوند (لوقا ۲۴:۴۹). بر طبق اعمال رسولان ۲:۲، روح‌القدس چون صدای وزش باد شدید نازل می‌شود. لوقا در آیهٔ ۴ می‌گوید: «همه از روح‌القدس پُر گشته، به زبانهای مختلف، به سخن گفتن شروع کردند.» آیهٔ ۱۱ به آنچه ایشان بر زبان آوردند دقیق‌تر اشاره می‌کند. چندی از غریبان که آواز ایشان را شنیدند چنین گفتند: «اینها را می‌شنویم که به زبانهای ما ذکر کبریایی خدا می‌کنند.» با دقت، به محتوای آنچه ایشان بر زبان آوردند توجه کنید، چرا که این محتوا در درک ماهیت عطیۀ نبوت از اهمیت بسیاری برخوردار است.

تحقق نبوت یوئیل

در آیهٔ ۱۶، پطرس توضیح می‌دهد که ماجرا از چه قرار است. او می‌گوید این همان چیزی است که یوئیل نبی گفته بود. این آغاز تحقق یافتن یوئیل ۲:۲۸ بود. سپس پطرس در آیات ۱۷-۱۸ از یوئیل نقل قول می‌کند: «خدا می‌گوید در ایام آخر چنین خواهد بود که از روح خود بر تمام بشر خواهم ریخت و پسران و دختران شما نبوت کنند و جوانان شما رویاها و پیران شما خوابها خواهند دید و بر غلامان و کنیزان خود، در آن ایام، از روح خود خواهم ریخت و ایشان نبوت خواهند نمود.»

یوئیل گفته بود که در ایام آخر روح‌القدس به شکلی عظیم و جهانی («بر تمام بشر») نازل خواهد شد و نشانهٔ آن نزول نبوت‌هایی فراگیر و گسترده خواهد بود: مرد و زن، پیر و جوان، عالی‌رتبه و پایین‌رتبه، جملگی، نبوت خواهند کرد. یوئیل می‌گوید که این مهم در «ایام آخر» روی خواهد داد. اما «ایام آخر»، چه زمانی است؟ پطرس می‌گوید ایام آخر فرا رسیده است. «این همان است که یوئیل نبی گفت.» حال، اگر ایام آخر از آن زمان آغاز گشته است، پس ما در چه مقطعی از زمان قرار داریم؟

ایام آخر

ما نیز در ایام آخر قرار داریم. از زمان آمدن عیسی به این جهان، ما در ایام آخر به سر می‌بریم. رسالۀ عبرانیان ۲:۱ می‌فرماید: «خدا که در زمان سلف به اقسام متعدد و طریقهای مختلف، به وساطت انبیا، به پدران ما تکلم نمود، در این ایام آخر، به ما به وساطت پسر خود متکلم شد.» از زمان آمدن پسر، ما در «این ایام آخر» به سر می‌بریم.

بنابراین، امروز نیز دور از انتظار نیست که نبوتی صورت بگیرد. در این ایام آخر (روزگار ما)، مردان و زنان، پیران و جوانان، عالی‌رتبگان و پایین‌رتبگان، نبوت خواهند کرد و این پدیده‌ای جهانی خواهد بود، زیرا همان‌طور که آیهٔ ۱۷ می‌فرماید خدا روحش را بر تمامی بشر خواهد ریخت نه فقط بر یهودیان. پطرس در اعمال رسولان ۲:۳۹ موعظه‌اش را چنین خاتمه می‌دهد: «این وعده است (وعدهٔ روح‌القدس در آیهٔ ۳۸) برای شما و فرزندان شما و همهٔ آنانی که دورند، یعنی هر که خداوند خدای ما او را بخواند.» این وعده ما غیر یهودیان را نیز که از جانب خدا خوانده شده‌ایم شامل می‌گردد. نه اینکه همهٔ آنانی که توبه می‌کنند و ایمان می‌آورند نبوت خواهند کرد (اول قرن‌تیان ۱۲:۲۹)، اما همهٔ آنانی که توبه می‌کنند و ایمان می‌آورند از برکت حضور روح‌القدس برخوردار خواهند شد (آیهٔ ۳۸) و یکی از راه‌های تجلی روح‌القدس در ایام آخر

گسترش فراگیر و حیرت‌انگیز عطیه نبوت می‌باشد (آیات ۱۷-۱۸): «پسران و دختران شما نبوت کنند و جوانان شما رویاها و پیران شما خوابها خواهند دید و بر غلامان و کنیزان خود، در آن ایام، از روح خود خواهم ریخت و ایشان نبوت خواهند نمود.»

نبوتی که روح‌القدس موجب آن است، اما در ذات خود از اقتدار الهی برخوردار نمی‌باشد

حال، با خودتان این پرسش را مطرح کنید: آیا یوئیل و پطرس و لوقا می‌پنداشتند که جملگی مردان و زنان، پیران و جوانان، و غلامان و کنیزان، مانند موسی و اشعیا و ارمیا، نبی می‌گردند و به شیوه آنها نبوت خواهند کرد؟ آیا جملگی مردمان نیز می‌توانند الهام شفاهی بگیرند و مانند انبیا از جانب خدا صاحب اقتدار شوند و کلامی را مکتوب نمایند که بدون خطا باشد؟ آیا نبوتی که اعمال رسولان ۱۷:۲ بدان اشاره می‌کند چنین نبوتی است؟ و یا اینکه تفاوتی وجود دارد؟

من باور دارم که تفاوتی وجود دارد. من چنین نمی‌پندارم که عطیه نبوتی که امروز شاهدش هستیم از همان اقتدار انبیای عهدعتیق یا اقتدار عیسی و رسولان برخوردار باشد. اگر بخواهیم مثبت‌تر بیان کنیم، باید بگوییم اگرچه این روح‌القدس است که عطیه نبوت را موجب می‌شود و آن را حفظ می‌کند، این نبوت، در ذات خود، از اقتدار الهی برخوردار نمی‌باشد.

یکی از دلایلی که امروزه درک چنین نبوتی را دشوار می‌سازد این است که بسیاری از ما در دسته‌بندی که در ذهنمان ایجاد کرده‌ایم جایی برای چنین گفتاری به وجود نیاورده‌ایم، گفتاری که روح‌القدس موجب آن باشد اما در ذات خود از اقتدار الهی برخوردار نباشد. تناقضی در این میان به چشم می‌آید. چه بسا که چنین گفتاری برای ما سنگ لغزش گردد، چرا که اگرچه گفتاری است که روح‌القدس موجب آن است و آن را حفظ می‌کند، اما می‌تواند گفتاری خطاپذیر باشد. حال، همه تلاش من این است که به شما نشان دهم ماهیت عطیه نبوت چه در عهدجدید و چه امروز چیزی جز این نیست. نبوت گفتاری است که روح‌القدس موجبش است و آن را حفظ می‌کند، اما در ذات خود از اقتدار الهی برخوردار نمی‌باشد و شاید خطا و اشتباهی نیز در آن به چشم آید.

حال، اگر آنچه بیان شد عطیه نبوت را بی‌اهمیت نشان می‌دهد و به نظر می‌رسد باعث بنای کسی نمی‌شود، به مقایسه‌ای که با عطیه تعلیم صورت گرفته است توجه نمایید.

مقایسه با عطیه تعلیم

آیا نخواهید گفت که وقتی عطیه روحانی تعلیم به کار گرفته می‌شود این روح‌القدس است که آن تعلیم را موجب می‌گردد و آن را حفظ می‌نماید؟ آیا نخواهید گفت تعلیمی که از این عطیه ناشی می‌شود در مکاشفه الهی و عاری از خطا، یعنی در کتاب‌مقدس، ریشه دارد؟ عطیه تعلیم، که همانا روح‌القدس موجبش است و آن را حفظ می‌نماید، به معنای توضیح و تفسیر حقیقت کتاب‌مقدس است که به منظور بنای کلیسا انجام می‌پذیرد. آری، همه ما یک‌صدا بر این باور هستیم که این عطیه در حیات کلیسا از ارزش بسیاری برخوردار است. ولی آیا هیچ‌یک از ما خواهد گفت که گفتار معلمی که از عطیه تعلیم برخوردار است عاری از خطا است؟ خیر. آیا خواهیم گفت که کلام آن معلم از اقتدار الهی برخوردار است؟ البته فقط از یک نظر کلام او را عاری از خطا می‌دانیم، ولی این عاری از خطا بودن به معلم بازمی‌گردد، بلکه منظور این است که منبع آن گفتار، یعنی کتاب‌مقدس، عاری از خطا است.

چرا چنین عطیه‌ای که روح‌القدس موجبش است و آن را حفظ می‌نماید و در مکاشفه‌ای عاری از خطا (کتاب‌مقدس) ریشه دارد به نوعی خطاپذیر است و با چیزی در هم می‌آمیزد که کامل نیست و از این‌رو از اقتداری برخوردار می‌شود که از آن خودش نمی‌باشد؟ پاسخ اینجا است که معلمی که کلام خدا را تعلیم می‌دهد ممکن است در درک و بینش خود از حقیقت کتاب‌مقدس دچار اشتباه گردد و چه بسا که ممکن است در تجزیه و تحلیلش از حقیقت کتاب‌مقدس دچار اشتباه گردد، همان‌طور که ممکن است در توضیح و تفسیرش از حقیقت

کتاب مقدس دچار اشتباه گردد. هیچ تضمینی وجود ندارد که چون کتاب مقدس عاری از خطا است کلیسا نیز عاری از خطا باشد. عطیه تعلیم تعلیمی عاری از خطا را تضمین نمی‌کند.

اگرچه عطیه تعلیم خطاپذیر است و اگرچه در ذات خود از اقتدار الهی برخوردار نمی‌باشد، می‌دانیم که این عطیه برای کلیسا بی‌نهایت ارزشمند است. همه ما به خاطر وجود معلمانی که از این عطیه بهره‌مندند بنا می‌شویم و برکت می‌گیریم. در این عطیه، دست خدا در کار است. خدا این عطیه را به کار می‌گیرد. عطیه تعلیم عطیه‌ای روحانی است.

حال، این عطیه را با عطیه نبوت مقایسه کنید. این روح القدس است که عطیه نبوت را موجب می‌شود و آن را حفظ می‌نماید. عطیه نبوت بر مکاشفه از جانب خدا استوار است. این خدا است که حقیقتی را در ذهن نبی مکشوف می‌سازد (به شکلی فراسوی درک و بینش معمول) و از آنجایی که خدا هرگز اشتباه نمی‌کند، می‌دانیم که مکاشفه‌اش اصیل است و هیچ‌گونه اشتباهی در آن وجود ندارد. اما عطیه نبوت تضمین نمی‌کند که وقتی آن مکاشفه را انتقال می‌دهد عاری از هر گونه خطا و اشتباه باشد. چه بسا که شاید نبی نتواند به درک و برداشت کاملی از آن مکاشفه برسد و در نتیجه آن را با کمی و کاستی منتقل نماید. به همین دلیل است که پولس می‌گوید ما در آینه‌ای کدر می‌نگریم (اول قرنتیان ۱۳:۱۲). ثمره عطیه نبوت می‌تواند نبوتی خطاپذیر باشد، همان‌طور که عطیه تعلیم می‌تواند تعلیمی به بار آورد که کمی و کاستی در آن به چشم آید. حال، پرسش من این است: «اگر تعلیم می‌تواند برای بنای کلیسا به کار آید، چرا نبوت نتواند همان‌طور که پولس می‌گوید (اول قرنتیان ۳:۱۴، ۱۲، ۲۶) برای بنای کلیسا به کار آید؟ هرچند که هر دو خطاپذیرند و با عیب و نقص انسان درآمیخته‌اند و نیازمند محک خوردن می‌باشند.»

دسته‌بندی تازه‌ای را در ذهنمان بیافرینیم

نکته همه آنچه تا به حال عنوان کرده‌ام این است: ما باید برای چنین گفتاری که روح القدس موجبش است و آن را حفظ می‌نماید، برای این گفتاری که در مکاشفه ریشه دارد اما باز هم به سنجش و از صافی گذشتن نیازمند است دسته‌بندی تازه‌ای را در ذهنمان بیافرینیم. از یک سو، در کنار انبیای حقیقی که با الهام شفاهی و عاری از خطا سخن گفتند (نویسندگان کتاب مقدس که نبوت نمودند و عیسی و رسولان) و از سوی دیگر انبیای دروغین که تشنیه ۳:۱۳؛ ۲۰:۱۸ آنها را محکوم می‌نماید (ارمیا ۲۳:۱۶) به دسته‌بندی دیگری از انبیا احتیاج داریم. آنچه کتاب مقدس درباره نبوت تعلیم می‌دهد صرفاً به این دو دسته‌بندی ختم نمی‌گردد. در خصوص «عطیه روحانی نبوت» یعنی عطیه‌ای که روح القدس موجبش است و آن را حفظ می‌نماید، عطیه‌ای که در مکاشفه ریشه دارد اما با عیب و نقص انسان درآمیخته است و خطاپذیر است و از این رو نیازمند آن است که از صافی بگذرد، ما به دسته‌بندی سوم احتیاج داریم.

من به محک زدن و از صافی گذراندن اشاره کردم، چرا که رساله اول تسالونیکیان ۵:۱۹-۲۲ به این مهم اشاره می‌کند. این نبی نیست که راست و دروغ بودنش آزموده می‌شود. این نبوتها هستند که از صافی گذشته می‌شوند تا نیکویی از بدی تشخیص داده شود. «روح را اِطفا مکنید. نبوتها را خوار شمارید. همه چیز را تحقیق کنید و به آنچه نیکو است متمسک باشید. از هر نوع بدی احتراز نمایید.» این سنجیدن بدان دلیل نیست که مشخص کنید آیا نبی راستین و بدون خطا است یا دروغین و از خود مطمئن است. این سنجیدن از آن سبب است که بدانید کدام نبوت نیکو است و کدام نبوت نیکو نیست.

منظور پولس این است که اگر ما به خاطر این ناکامل بودن از عطیه نبوت رویگردان شویم، روح القدس را خاموش خواهیم کرد. امیدوارم شما از صمیم قلب خواهان این باشید که از چنین امری خودداری نمایید. باشد که خداوند خودش ما را در این راستا تعلیم دهد.

جان پای پر